

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۲ اپریل ۲۰۱۱

بررسی مختصر قرآن

بخش دوم

خواننده عزیز و گرامی!

خدمت شما باید به عرض برسانم که گاهی شما هنگام خواندن این نوشته‌ها با کلمه و یا جمله‌ای مثل عالمان دین، اسلام شناسان، روشنفکران دینی و امثالهم بر می‌خورید منظور استفاده از آن کلمات این نیست که اسلام و یا دیگر ادیان علم است که عالم داشته باشد ادیان مخصوصاً اسلام علم نیست. یک عقیده قدیمی است که مردم کشور های عقب نگهداشته شده را به نفع استعمار جهانی و تثبیت منافع عربی در بند نگه می‌دارد و عقیده و باور های خرافی و تاریک روشن فکر لازم ندارد چون روشن فکر آنهم به همان پیمانانه خرافاتی خواهد بود به همین لحاظ من معذرت خود را خدمت شما نوشتم تا از آن برداشت غلط نشود.

در باره اینکه آیا قرآن تنها برای مردم عرب نازل شده و بعداً لشکر کشایان عربی و سوسمار خورده ها آنرا شکل جهانی داده‌اند و یا اینکه اصلاً و اساساً قرآن برای تمام مردم دنیا آمده است روایاتی گوناگون وجود دارد، اکثر یت کسانی که خود را عالم دین می‌نامند به این عقیده هستند که قرآن برای تمام مردم دنیا آمده و همه انسان‌ها مجبور به پیروی از آن هستند. ما هم به ملاحظه آیات قرآن خواهیم دید که خود این کتاب به اصطلاح آسمانی درین باره چه می‌گوید: سوره الزخرف آیت ۳:

ما آنرا قرآن عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید .. (عربی لسان اعراب است و آن‌ها باید بیندیشند نه آنهایی که عربی اصلاً نمی‌دانند و شما آنرا به زور سر نیزه بر مردم جهان تحمیل و تطبیق نمائید) سوره الشعراء آیت ۱۹۵:

آنرا به زبان عربی آشکار سوره ابراهیم آیت ۴:

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفر ستادیم تا (حقایق را) برای آنان بیان کند پس الله هرکی را بخواهد بی راه می‌گذارد و هرکی را بخواهد هدایت می‌کند و او ست ارجمند حکیم. (تا آنجا که من می‌دانم افغانها هیچ نوع

نسبت قومیت و برادری با اعراب و محمد نداشته اند که پیغمبر قوم ما باشد. اما بعد از تجاوز اعراب وحشی به سر زمین ما و چپاول دارائی های مادی و معنوی وطن عزیز و گرانمایه ما جبراً و قهراً به پیروی از فرمایشات آن‌ها مجبور گشتیم و تا هنوز هم افغان و مسلمان در جه دوم و پیرو عربها نگه‌داشته شده ایم (سوره یونس آیت ۴۷) :

و هر امتی را پیغمبری است پس چون پیامبر شان بیاید میان شان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود (در این آیت واضح و روشن است که برای هر امتی یک پیغمبر است نه یک پیغمبر برای مردم تمام جهان.

امت به معنی خاص کلمه یعنی اجتماعی از انسانهای ساکن یک منطقه که خداوند در مقطع زمانی مشخص در میان آنان پیغمبری از خود شان و خاص خود شان تعیین کرده تا از باور هائی که او از جانب خدا می آورد پیروی و به احکام خاصی که او مقرر می کند عمل نمایند.

سوره فصلت آیت ۴۴ :

و اگر این کتاب را قرآن غیر عربی قرار داده بودیم قطعاً می گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتاب غیر عربی و عرب زبان برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی آورند در گوش‌های شان سنگینی است و قرآن برای شان نا مفهوم است و (گویی) آنرا از جای دور می شنوند

در اینجا واضحا بیان شده که قرآن برای عرب و عرب زبان است یعنی اینکه مخصوص عربها است. (چون ما نه عرب هستیم و نه عربی می دانیم پس با آن‌ها کاری نداریم) سوره الشوری آیت ۷:

و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا (مردم) مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گرد آمدن (خلق) که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشت اند و گروهی در آتش. (درین آیت به وضوح کامل محل دعوت محمد تعیین و بیان شده است، (در هیچ جای این آیات نمی خوانید که این قرآن را بر تمام انسان‌ها در هر گوشه ای دنیا که هستند تطبیق بدارید) که مسلماً مکه و اطراف آن گفته شده، (فکر نمیکنم افغانستان آنروزی و یا امروزی نزدیک به مکه بوده باشد) با وجود موجودیت چنین آیاتی، اسلام فرا گیر شد و جهان شمول ؟ برای اینکه محمد و یارانش و اصحاب کرام بعد از حملات وحشیانه به قصبه های یهودی نشین و چور و چپاول دارائی های اوشان و غنیمت های جنگی که شامل زنها و اموال منقول می شد راه قدرت مند شدن را دریافتن. یعنی اینکه محمد بعد از اینکه در مدینه از همکاری اوباشان و دزد های قافله گیر اموال تجاران مطمئن شد با خاطر آسوده حملات خود را در راه تطبیق اسلام از راه شمشیر نه موعظه به پیش گرفت و در مرحله بعدی خلفای راشدین چون از اموال مردم به نام غنیمت های جنگی صاحب همه چیز شده بودند این راه را دوام دادند. اینجا بود که شعار اسلام (دین جهانی) مطرح شد. در باره ثروت محمد، یاران، اصحاب کرام و قومندانان و فرمانروایان جنگی اش لطفاً به نوشته این‌جانب زیر نام (مشرو عیت بردگی در اسلام) منتشره همین پورتال عزیز توجه فرمائید. پیوستن روز تا روز اوباشان و دزدان مکه – مدینه و قریه های دور و پیش آن وبه دست آوردن مال دیگران از راه زور حتی زنان اوشان به این غارتگران شرف انسانی قوت داد تا هر چه بیشتر منسجم و حملات دوامدار خود را تا آنجا که امکانات برای شان موجود بود ادامه دهند و از آن تاریخ به بعد تا امروز هیچ گوشه دنیا از دستبرد و چپاول و وحشت افگنی شان در امان نیست. در زمانی که محمد برای دستیابی به قدرت به فکر پیامبری افتاد هدفی جز حکومت کردن در زادگاهش نداشت به همین سبب بود که او در آیه ۷ سوره شوری و چند آیت دیگر که شرحش در بالا رفت همه‌اش متوجه تسلط بر مکه بود اما در اواخر عمرش در سال هشتم ه ق که بر مکه پیروز شد و حاکمیتش بر سراسر عربستان استقرار پیدا نمود در فکر تعرض و تجاوز به اقلیم های دیگر افتاد؛ حال می پردازیم به آیات قرآنی که مفهوم درست و اساسی را افاده نکرده و مثل افسانه سرائی گفته شده است.

مثلاً سوره الکهف آیات ۹۳ و ۹۴ می گوید :

تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو (سد) طایفه ای را یافت که نمیتوانستند هیچ زبانی را بفهمند، گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا (ممکن است) مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی ؟ (افسانه یاجوج و ماجوج که در حدود هزار سال پیش از محمد در میان یهودی ها پیشینه تاریخی دارد محمد آنرا در قرآن آورده تابادرج این خرافات و ایده های افسانه ئی یهودی جلب توجه شان را بنماید . به هر صورت ازین افسانه فهمیده نمیشود یاجوج و ماجوج که هیچ زبانی را نمی فهمند چطور به ذوالقرنین (ذوالقرنین هم که تقریباً در جمله پیامبران محسوب شده که در زمان دیگر به شرح آنهم خواهیم پرداخت) مکالمه نموده و معامله را پیشنهاد نموده اند ؟؟؟؟

خواننده عزیز : من بار اول که قرآن را به فارسی خواندم باورم نمیشد این قرآن باشد فکر کردم کتاب دیگری است. اما متأسفانه دیدم این همان قرآنی است که هزاران هموطن نازنین من با خواندن آن (بدون فهمیدن معنی آن) و یا شنیدن صدای قاری اشک ریخته اند چون هموطنان من نهایت خوش قلب هستند. (حال فقط قابل یاد آوری میدانم ای هموطن قرآن را به فارسی بخوان فقط یک بار تا بدانی به چی ایمان داری و حاضری تمام زندگی ات را ناآگاهانه برایش فدا نمائی فقط آنرا به فارسی بخوان) و قضاوت نما!

موارد زیادی در قرآن موجود دارد که باید روی آن مکث و صحبت نمود . یکی از آن ها دعای بد کردن خداوند است . ببینیم چرا ؟؟

محمد در زمانیکه در مکه بود و نیروئی هم نداشت و به همین دلیل آیاتی را هم که می نوشت آیات صلح آمیز و بدون قهر و غضب بود همچنان مردم مکه او را اذیت و هجو می نمودند . یکی از کسانی که او را تحمل نمیتوانست ابوالهب کاکایش بود که محمد طاقت نیاورده و سوره ای را برای تسکین خود صادر نمود و با اصدار آن از طرف خدا کمی تسلی یافت. آن سوره المسد است که ۵ آیت دارد . میخوانیم: < ثبت یدابی لهب و تب > **بریده باد هر دو دست ابوالهب** > ما اغنی عنه ما له و ما کسب < هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نه بخشد > سیصلی نارا ذات لهب < و > نیز < همسرش در حالیکه هیزم کش - دوزخ - است > فیجید هاحبل من مسد < و در گردنش طنابی است از لیف خرما .

حال با خواندن این سوره پنج آیتی چی باید تصور نمود ؟؟ مگر خدای بزرگی که اسلام معرفی داشته و گویا خلق کننده زمین و آسمانها است. خدائی که با دو دستش آسمان را بالا نگهداشته تا بالای ما نیفتد، خدای قادر و توانا خدائی که دارای عرش و لوح محفوظ است. خدائی که همه مخلوقات صفت او را می گویند و منتظر امرش هستند چنین عاجز شده که در مقابل ابولهب کاری نمی تواند انجام دهد ؟؟؟؟ نمی تواند او را بکشد؟؟ نمی تواند او را به سنگ تبدیل نماید ؟؟؟؟ خلاصه هیچ کاری نمی تواند انجام دهد و مثل آدم های مسن و عاجز شروع می نماید به دعای بد نمودن ؟؟؟؟؟ این موضوع و هر نوشته ای را که به ارتباط قرآن- ادیان - اسلام - پیامبران - کتاب هائی که می گویند آسمانی است می نویسم از فکر من نشأت نکرده لطفاً با قرآن و دیگر کتاب های دینی آنرا تطبیق ننمائید.

قسم خوردن های خداوند بزرگ

چیز جالب دیگری که در قرآن به نظر می خورد قسم خوردن های الله است که برای تثبیت گفتار خود به قسم های عجیب و غریب متوصل می شود تا باشد بندگانش حرف های او را قبول نمایند ؟؟ جالب تر نوع قسم خوردن او است مثلاً : قسم به کوه سینا - ستاره - باد های عالم - کشتی ها - قسم به قلم - قسم به نفس کشیدن اسپان - قسم به شب

تار - قسم به زیتون - قسم به انجیر - قسم به هفت - قسم به شهر مکه - قسم به آدم - و غیره و غیره جالبتر اینکه تمام این چیز ها نزد بشریت مقدس نبوده تا خداوند در تحمیل باور نمودن هدایات خود توسط بندگان خود آنها را خلق نموده است (نظر به گفته ادیان) در پناه این نوع قسم ها جلب توجه اعراب جاهل را ندارد. سوره دیگر قرآن الذاریات که از آیت ۱ تا ۱۱ چنین میگوید :

سوگند به باد های که (ابر ها را) به حرکت در می آورند - سوگند به آن ابر ها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می کنند - و سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی به حرکت در می آیند- و سوگند به فرشتگانی که کار هارا تقسیم می کنند - که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است - و بی‌شک (رستا خیز) و جزای اعمال واقع شدنی است - قسم به آسمانی که دارای چین و شکن های زیباست - که شما (در باره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید - (تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می‌شود که از قبول حق سر باز می زند - کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آن‌ها) - همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند.

چیزی که درین سوره جالب تر به نظر می رسد یکی اینکه خدا چرا قسم بخورد؟؟ ضرورت قسم خوردن در چیست؟؟ برای اینکه بندگان حرف‌های او را قبول کنند؟؟ یا انگیزه دیگری هم دارد؟؟ دوم شعار دادن خدا است مثل : کشته باد دروغ گویان و مرگ بر آن‌ها و به دنبال این قسم خوردن های خداوند در سوره الطور از آیت ۱ تا ۱۰ میخوانیم که :

سوگند به کوه طور - و کتابی که نوشته شده در صفحه‌ای گسترده - و سوگند به (بیت المعمور) - و سقف بر افراشته - و دریای مملو و بر افروخته - که ذات پروردگارت واقع می‌شود - و چیزی از آن مانع نخواهد بود- این عذاب الهی در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت در می‌آید - و کوه‌ها از جا کنده و متحرک می‌شوند - و همچنان در سوره البلد آینه‌های ۱ تا ۴ :

قسم به این شهر مقدس < مکه > شهری که در آن ساکنی - و قسم به پدر و فرزندش (ابراهیم و اسماعیل) - که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌ها است) در سوره التین آیه ۱ تا ۵ :

قسم به انجیر و زیتون (یا قسم به سر زمین شام و بیت المقدس) این جمله اخیر نوشته مفسر است . - و سوگند (به طور سینین) و قسم به این شهر امن (= مکه) - که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم - سپس او را به پائین‌ترین مرحله باز گرداندیم . سوره العادیات آیات ۱ تا ۷ : سوگند به اسب های دونده - پس قسم به اسپان آتش بر آورنده از نعل - پس قسم به غارت کننده هنگام صبح .

نباید فراموش نمود که سوگند خوردن به کمبود شخصیات فردیکه قسم می خورد و می خواهد کمبود خود را با قسم تکمیل نموده تا شنونده به حرفش اعتماد و باور نماید، منوط است اما قسم خورنده باید به چیز های مقدسی که برای طرف مقابل ارزش داشته باشد سوگند یاد نماید نه به آن چیز هایی که قرآن از زبان خدا یاد آوری می نماید.

اصلاً خدا چرا قسم بخورد؟؟ این‌ها از جمله آن سوالاتی است که محققین اسلامی باید جواب دهند.

مسلماً از این بررسیها و تحلیل فارسی قرآن و جوابگوئی مدرسین قرآن و اسلام درین راستا نتایجی به دست خواهد داد که در رو شنی آن حقایق، ما و هموطنان شریف قضاوت و برداشتی از دین اسلام و حاکمیت جابرانه آن بر ذهنیت مردم بلا کشیده ما خواهیم داشت.

ادامه دارد